

ارائه‌ی مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران

سیدامیر طالبیان^۱، احمد ملاکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

تجربه‌ی سال‌های متمادی اجرای اقدامات توسعه‌ای بر اساس رویکردی عمدتاً اقتصادی و بدون ملاحظه تأثیرات زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی‌ای که این اقدامات بر جا می‌گذارند، خوشایند نبوده است. اما امروز دریافته‌ایم که اقدامات توسعه‌ای به سادگی به اهدافی که برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود دست نمی‌یابند و دست یافتن به این اهداف نیازمند فراهم شدن شرایط اجتماعی خاصی است. حال که توجه به ارزیابی تأثیرات اجتماعی اقدامات توسعه‌ای در کشور ما و در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته، شایسته است تا مدل‌ها و فرایندهایی مناسب برای آن طراحی شود. هدف اصلی این مقاله تدوین دستورالعمل و مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در پروژه‌های صنعت نفت و گاز در کشور ایران است. روش به کار گرفته شده در این مقاله اسنادی و کتابخانه‌ای و مقایسه‌ای- تطبیقی است. در واقع در این مقاله با مرور اصول کلی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سپس شناسایی مقولات اجتماعی که پیامد پروژه‌های صنعت نفت در مناطق عملیاتی است با کمک تجربیات مشابه خارجی و مدل‌های به کار گرفته در آن‌ها مدل مناسبی با توجه به شرایط کشور و مناطق میزبان تأسیسات نفتی پیشنهاد دهد. با توجه به طیف مسایلی که صنعت نفت در زمینه‌ی مسایل اجتماعی می‌تواند با آن‌ها روبه‌رو شود، فرصت مناسبی برای توسعه‌ی ارزیابی تأثیرات اجتماعی در پروژه‌های صنعت نفت وجود دارد و تدوین مدلی مناسب برای انجام آن می‌تواند کارآمدی این حوزه از دانش را در کمک به مدیریت مناسب توسعه‌ی صنعتی و هم‌چنین گسترش آن در بقیه‌ی عرصه‌های اقدامات توسعه‌ای نیز فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی، مقولات اجتماعی، صنعت نفت، مدل ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اجتماعات محلی، تجربیات بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

مقدمه

نفت و گاز بی‌شک در یک‌صد سال اخیر مهم‌ترین منبع اقتصادی کشور بوده است و تا آینده‌ای نامعلوم نیز چنین خواهد بود. نفت مواهب بسیاری برای ایران به بار آورده است و

۱- عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی و رئیس گروه مطالعات اجتماعی و توسعه‌ی پایدار

(نویسنده مسئول) talebian010@gmail.com

۲- پژوهشگر گروه مطالعات اجتماعی و توسعه‌ی پایدار، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی

ahmad.malaki@gmail.com

بی‌تردید اگر نفت نبود کشور در وضعیتی متفاوتی قرار داشت. اما بهره‌برداری از نفت در کنار مواهب یادشده، پی‌آمدهایی در سطوح مختلف و در عرصه‌های گوناگون نیز دارد. بسیار گفته شده که ساختار اقتصاد و سیاست ایران متأثر از نفت و ویژگی‌های ناخوشایندی یافته، بهره‌وری و عقلانیت اقتصادی تحت تأثیر نفت قرار گرفته، ساختار و عملکرد مصرف انرژی از مصرف خانگی گرفته تا بزرگ‌ترین صنایع تابع اقتصاد نفتی شده و حتی روابط خارجی ایران نیز تحت تأثیر ریز و درشت تحولات صنعت نفت در داخل و بازارهای بین‌المللی آن است. اما این سطح از تأثیرگذاری نفت بر اقتصاد، سیاست و جامعه‌ی ایرانی فقط بخشی از تأثیرات آن است که علی‌رغم بسیار مهم بودن و به کرات گفته شدن، پوششی برای بخش‌های دیگری از تأثیرات صنعت نفت و گاز بر جامعه‌ی ایران نیز بوده است.

صنعت نفت و گاز بر اجتماعی که بی‌واسطه میزبان این صنعت هستند، تأثیرات عمیقی بر جای می‌گذارد. این‌ها را می‌توان تأثیرات منطقه‌ای و محلی صنعت نفت و گاز خواند که تاکنون به آن‌ها کم‌تر پرداخته شده است. این تأثیرات در عرصه‌های مختلف و ماهیتاً چندگانه هستند، ولی این مقاله به تأثیراتی که ماهیت اجتماعی دارند می‌پردازد و اگر به بقیه‌ی تأثیرات نیز پرداخته می‌شود، از مسیر بررسی تعامل آن‌ها با تأثیرات اجتماعی یا منجر شدن آن‌ها به این گونه تأثیرات است. به همین دلیل در این جا به برخی تأثیرات زیست‌محیطی اقدامات در صنعت نفت و گاز هم پرداخته می‌شود؛ زیرا این اقدامات در بازه‌های زمانی متفاوت به تأثیرات اجتماعی و تغییر دادن زندگی انسانی می‌انجامند. به این ترتیب مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا چشم‌اندازی به سوی نوعی دیگر از نگرستن به صنعت نفت بگشاید و از این مسیر به افزایش دانش و تغییر میانش درخصوص توسعه‌ی پایدار صنعت نفت کمک کند. هم‌چنین با بررسی مدل‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی در دنیا، مدل مناسبی برای انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران ارائه دهد.

بیان مسأله و اهمیت موضوع

تجربه سال‌های متمادی اجرای اقدامات توسعه‌ای براساس رویکردی عمدتاً اقتصادی و بدون ملاحظه‌ی تأثیرات زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی‌ای که این

اقدامات به جا می‌گذارند، خوشایند نبوده است. اگرچه جهان در سه دهه‌ی گذشته بر این امر آگاهی یافته و بروز ایده‌هایی مانند توسعه‌ی پایدار نیز محصول همین آگاهی است، این آگاهی با تاخیر به کشور ما راه یافته است. عموماً اقدامات توسعه‌ای به سادگی به اهدافی که برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود دست نمی‌یابند و دست‌یافتن به این اهداف نیازمند فراهم‌شدن شرایط اجتماعی خاصی است. هم‌چنین هر اقدامی که در زمینه‌ی توسعه انجام می‌شود، محتمل است که تأثیرات منفی به‌همراه داشته باشد و بدون لحاظ کردن این تأثیرات منفی نمی‌توان عاقبت خوشی برای فرایندهای توسعه تصور کرد. علاوه بر این وقتی تأثیرات اجتماعی اقدامات توسعه‌ای لحاظ نمی‌شوند، اجرای موفقیت‌آمیز آن‌ها نیز به علت طیفی از مسایل مانند مقاومت مردمی، عدم مشارکت مردم در پیشبرد اقدامات یا عواقب ناشی از تأثیرات منفی میسر نمی‌شود. از طرف دیگر اقدامات توسعه‌ای در عین حال که می‌توانند نتایجی خوشایند داشته باشند، قادرند انبوهی از مسایل مانند فرسایش اجتماعی، تخریب محیط زیستی، ایجاد تضاد میان دولت و مردم، آسیب‌های اجتماعی، نقض حقوق قانونی مردم و ایجاد تبعیض‌های اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد و بروز مسایل مرتبط با هریک از این مقولات، دقیقاً ضد توسعه‌ای به شمار می‌روند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۱). بنابراین انجام ارزیابی اجتماعی پیش از شروع هر پروژه توسعه‌ای و شناخت پیامدهای مثبت و منفی و هم‌چنین ویژگی‌های منطقه‌ای که قرار است پروژه در آن‌جا اجرا شود اهمیت زیادی دارد.

به بیانی دیگر ورود صنعت، خاصه صنایع مدرن به اجتماعات محلی موجب دگرگونی‌هایی در ساختار منطقه می‌شود که یکی از نتایج آن توسعه‌ی صنعتی منطقه است. در بیش‌تر موارد در کشور ما این توسعه‌ی صنعتی به توسعه‌ی اجتماعی منطقه منجر نشده است و این عدم تحقق توسعه‌ی اجتماعی در بسیاری از موارد موجب اخلال در پیشبرد پروژه‌های توسعه‌ای و صنعتی نیز شده، که زیان‌های مالی و معنوی زیادی را به دنبال داشته است. شواهد و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از

مشکلات و موانع به وجود آمده در مسیر اجرای پروژه‌های صنعت نفت و گاز کشور، به دلیل قضاوت‌های نادرست و یا سطحی درباره‌ی افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع^۱ در پروژه‌ها و عدم تعامل مناسب با آن‌ها براساس انتظارات و ارزش‌های آن‌ها بوده‌است. از طرف دیگر جوامع محلی عموماً پیچیدگی‌های خاص خود را داشته و مؤلفه‌های مختلفی بر رفتار آن‌ها تأثیر دارد. بنابراین ضرورت مطالعه‌ی اجتماعات محلی مرتبط با پروژه و ارزیابی تأثیرات عوامل اجتماعی پروژه‌ها درکنار ارزیابی‌های فنی و اقتصادی که برای پروژه‌ها انجام می‌گیرد، بدیهی است.

با وجود این‌که امروزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی پیشرفت چشمگیری در دنیا داشته و مفهومی بین‌المللی است که دارای مراحل و روش‌های مخصوص است، در ایران به ویژه در پروژه‌های صنعت نفت و گاز کشور تا کنون مورد توجه کافی قرار نگرفته است. در چنین شرایطی نظر به اهمیت توجه و اجرای این نوع ارزیابی، تدوین راهنمای عمل و طراحی مدلی بومی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های نفت و گاز کشور با لحاظ ویژگی‌ها و شرایط آن ضرورتی انکارناپذیر است. تدوین این مدل می‌تواند به سیاست‌گذاران و مجریان پروژه‌های صنعت نفت کمک کند تا با انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های صنعت نفت و شناسایی تأثیرات اجتماعی مثبت و منفی اقدامات خود، به تقویت پیامدهای مثبت و همچنین کاهش اثرات منفی توسعه‌ی صنعت نفت در مناطق عملیاتی اقدام کنند. از سوی دیگر انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی و جلب مشارکت جوامع محلی پیرامون صنعت نفت در مناطق عملیاتی می‌تواند موفقیت توسعه‌ی صنعتی و توسعه‌ی اجتماعی را فراهم کند.

ارزیابی تأثیر اجتماعی چیست؟

تعاریف مختلفی از ارزیابی تأثیر اجتماعی وجود دارد. هنک بکر ابتدا ارزیابی تأثیر را «فرایند شناسایی تأثیرات آتی یک فعالیت جاری یا پیشنهاد شده» تعریف می‌کند

^۱ - Stakeholders

و به تبع آن، ارزیابی تأثیر اجتماعی را یکی از زیرشاخه‌های «ارزیابی تأثیر» و فرایند شناسایی تأثیرات آتی یک فعالیت جاری یا پیشنهاد شده بر افراد، سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی کلان می‌داند (بکرا^۱، ۱۹۹۷: ۲).

فاضلی بر مبنای مرور کلیه تعاریفی که برای ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه شده معتقد است «ارزیابی تأثیر اجتماعی پژوهشی میان‌رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی است که می‌کوشد با سهم شدن در همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی نتایج اقدامات توسعه‌ای- سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها- شناخت معتبری از تغییراتی که این اقدامات در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می‌کنند ارائه دهد، و پیش از اجرا شدن اقدامات توسعه‌ای، تأثیرات اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها را برآورد کند. هم‌چنین ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌کوشد شرایط اجتماعی موفقیت اقدامات توسعه‌ای را مطالعه کند؛ تأثیرات منفی این اقدامات را پیش‌بینی کند؛ و راه‌کارهایی برای حذر کردن یا کاستن از تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات مثبت ارائه دهد.» (فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۰). این تعریف در این مقاله مبنا قرار گرفته است.

ارزیابی تأثیر اجتماعی در ایران بیش‌تر به عنوان بخشی غیرمستقل و ضمنی از مطالعات اجتماعی، حضوری کم‌رنگ داشته است. مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی ابتدا در میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۷۰ در زمینه‌ی ساخت عوارض اجتماعی ساخت سدها آغاز شد. وزارت نفت دومین سازمانی بود که تقاضاهایی برای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی مطرح کرد. این مطالعات از ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰ نضج گرفت و به انجام چند مطالعه‌ی عمده درباره‌ی ساخت سدها و مشکلات ناشی از توسعه صنعت نفت در جنوب ایران انجامید (مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۹۱).

نخستین همایش ملی ارزیابی تأثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها از سوی شهرداری تهران و حمایت نهادهایی مانند انجمن جامعه‌شناسی ایران و برخی

^۱ - Becker

دانشگاه‌های کشور در مهرماه ۱۳۸۹ برگزار شد. به علاوه، در اولین بند از ابلاغیه‌ی سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه، دولت موظف شده «پیوست فرهنگی» برای کلیه‌ی طرح‌های مهم تهیه کند. این بدان معناست که دولت باید عوارض اجتماعی و فرهنگی همه طرح‌های توسعه‌ای مهم را تهیه کند. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز اقداماتی در جهت تدوین نظام‌نامه و آیین‌نامه‌های تدوین پیوست فرهنگی انجام داده است. پیوست فرهنگی رویکردی مشابه با ارزیابی تأثیر اجتماعی دارد، لیکن رویکرد بیش‌تری به بررسی ارزیابی پی‌آمدهای فرهنگی اقدامات توسعه‌ای دارد.

اصول ارزیابی تأثیر اجتماعی

ارزیابی تأثیر اجتماعی بر اصولی بنا شده است که تصریح آن‌ها ماهیت ارزیابی تأثیر اجتماعی را بیش‌تر آشکار می‌کند. در واقع ذکر این اصول در این قسمت از مقاله با هدف نشان دادن رویکرد و ماهیت فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی اقدامات توسعه‌ای انجام می‌شود.

فرانک ونکلی ارزیابی تأثیر اجتماعی را متکی بر اصول زیر می‌داند. توجه داشته باشیم که این اصول، ارزیابی تأثیر اجتماعی را ناظر بر چیزی بسیار فراتر از مجموعه‌ای از ابزارهای فنی سنجش تأثیرات اقدامات توسعه‌ای بدل می‌کنند. این اصول دلالت‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای دارند.

✓ حقوق بشر بنیادینی وجود دارد که در تمام فرهنگ‌ها و نیز در میان زنان و مردان مشترک است.

✓ همگان حق دارند تحت حاکمیت قانون از حقوق انسانی بنیادین‌شان حفاظت شود و این حفاظت باید عادلانه و برای همگان یکسان و منصفانه باشد.

✓ افراد حق زندگی و کار در محیطی را دارند که سلامت و زندگی باکیفیت بالا به همراه می‌آورد و امکان رشد توان‌های بالقوه‌ی انسانی و اجتماعی را تأمین می‌کند.

✓ ابعاد اجتماعی محیط - خصوصاً کیفیت روابط اجتماعی، فارغ از ترس و نگرانی - جنبه‌های مهم و البته نه همه‌ی جوانب سلامت و کیفیت زندگی مردم هستند.

✓ مردم حق دارند در تصمیم‌گیری درباره‌ی مداخلات برنامه‌ریزی شده‌ای که بر زندگی‌شان اثر خواهد گذاشت دخالت کنند.

✓ دانش و تجربه‌ی محلی ارزشمند است و می‌توان از آن برای بهبود مداخلات برنامه‌ریزی شده استفاده کرد (ونکلی^۱، ۲۰۰۳: ۴).

هم‌چنین ارزیابی تأثیر اجتماعی به نوعی از توسعه باور دارد که بر اصول زیربنا شود. انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر رعایت این اصول را مبنای توسعه‌ی پایدار و قابل قبول می‌داند.

- احترام به حقوق انسانی باید اساس تمامی اقدامات باشد.
- ارتقای برابری و دموکراتیک کردن باید انگیزه‌ی اصلی برنامه‌ریزی توسعه، و تأثیرات توسعه بر اعضای آسیب‌پذیر جامعه باید مهم‌ترین دغدغه‌ی تمامی ارزیابی‌ها باشد.
- وجود تنوع میان فرهنگ‌ها، درون فرهنگ‌ها و اختلاف میان منافع افراد و گروه‌های ذی‌نفع باید به رسمیت شناخته شود.
- تصمیم‌گیری باید عادلانه، منصفانه و شفاف باشد و تصمیم‌گیرندگان باید پاسخ‌گوی تصمیمات خود باشند.
- اعضای اجتماعی که احتمالاً از اقدامات توسعه‌ای منتفع می‌شوند یا تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند باید این اقدامات را بپذیرند.
- نظرهای و آرای متخصصان نباید تنها ملاک تصمیم‌گیری درباره‌ی مداخلات باشد.

^۱ - Vanclay

- کانون تمامی اقدامات توسعه‌ای باید رسیدن به نتایج مثبت، مانند ظرفیت سازی، توانمندسازی، و تحقق بخشیدن به توان‌های بالقوه‌ی فردی و اجتماعی باشد.
- واژه‌ی محیط زیست را باید در معنای وسیع آن تعریف کرد تا شامل ابعاد انسانی و اجتماعی نیز بشود. در همین حال باید اطمینان حاصل کرد که به اندازه کافی به عرصه‌ی اجتماعی توجه می‌شود (همان: ۶).

مقولات اجتماعی در صنعت نفت

صنعت نفت و گاز عرصه‌ی تعامل ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی است. لذا وقتی در بررسی تجارب کشورها یا ارائه‌ی مدل‌های مواجهه با تأثیرات صنعت نفت به مقولات زیست‌محیطی پرداخته می‌شود، اهمیت آن‌ها برای تأثیرات اجتماعی بیش‌تر مد نظر است. باومولر و همکاران گزارشی درباره‌ی تأثیرات صنعت نفت و گاز بر آفریقای جنوب صحرا تهیه کرده‌اند که شاخصی از عمده تأثیرات صنعت نفت بر اجتماعات میزبان این صنعت در کل جهان نیز هست. نشت نفت و خطرات ناشی از آلوده شدن محیط زیست به نفت از عمده‌ترین تأثیرات این صنعت است. برای مثال آلودگی ناشی از نشت نفت - از طریق حمل نفت، نشت از لوله‌ها و تأسیسات، دزدی نفت از خطوط لوله و... - میان ۹۳ تا ۷۱۲ بشکه در روز اعلام شده است (باومولر و همکاران^۱، ۲۰۱۱، ۷).

مطالعه‌ی دیگری در باره‌ی مقولات اجتماعی و زیست‌محیطی خط لوله در آمریکای جنوبی (کشور پرو) نیز نتایج بقیه‌ی مطالعات درباره‌ی تأثیر خطوط لوله را تأیید می‌کند. تأثیرات منفی برگشت‌ناپذیر بر تنوع زیستی، تأثیرات عمیق بر بومیان منطقه، فقدان ارائه‌ی مشوق‌های مناسب برای همراه کردن مردم با پروژه، فقدان ظرفیت دولت پرو برای واداشتن شرکت‌ها به رعایت الزامات اجتماعی و زیست‌محیطی،

^۱ - Baumuller et al

تخریب جنگل‌های بارانی، انحراف و تخطی از قواعد سازمان جهانی کار درخصوص استخدام نیروی کار، روابط پرمشکل میان کارفرما و کارگران، تأثیرات عمیق کمپ‌های کارگری بر زندگی اجتماعی و تأثیر بر رودخانه‌ها به‌منزله‌ی یکی از عناصر مهم تداوم‌بخش زندگی و فقدان سابقه‌ی مناسب شرکت‌ها در زمینه‌ی ملاحظات اجتماعی و زیست‌محیطی از جمله مواردی بوده که در این خط لوله نیز مشاهده شده است (کافری^۱، ۲۰۰۲: ۳).

علاوه بر نشت نفت و استقرار خطوط لوله، مسایل اجتماعی عمده دیگری که در مناطق نفتی مشاهده می‌شود را می‌توان این‌گونه برشمرد؛ رهاشدن گاز در محیط طبیعی و آلودگی هوا و محیط زیست، مناقشات مربوط به تملک اراضی، از میان‌رفتن اکوسیستم‌های خشکی و دریایی، از میان رفتن تنوع شغلی و اقتصادی، تغییر کاربری اراضی و تخریب منابع معیشتی مرتبط با کشاورزی، تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی و بروز ناهنجاری، پدیدآمدن آسیب‌های اجتماعی مانند دعوا و درگیری، سرقت، اعتیاد، فحشا، تضادهای قومی و فرهنگی به‌علت ورود مهاجران از نقاط مختلف، فقدان نهادهای دولتی کارآمد و

عدم موفقیت در مدیریت مسایل اجتماعی گفته شده، اهمیت انجام مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی در قبل از شروع و حین انجام پروژه‌های صنعت نفت را صدچندان می‌کند.

ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت

صنعت نفت و گاز علی‌رغم تأثیرات مثبت عمیقی که بر جوامع به جا می‌گذارد، تیغ دو لبه‌ای است که می‌تواند از سطوح کلان تا خرد اقتصاد و جامعه را تحت تأثیر سوء نیز قرار دهد. مسایلی هم‌چون مشکلات جمعیتی، مشکلات زیست‌محیطی منجر به دشواری‌های اجتماعی، بر هم زدن اقتصادهای محلی، ایجاد فقر در عین حال که

^۱ - Caffrey

پروژه‌ها برای فقرزدایی برنامه‌ریزی می‌شوند، ایجاد آسیب‌های اجتماعی، تضعیف نهادهای محلی و منطقه‌ای، بروز نابرابری و ایجاد فساد و مجموعه‌های دیگری از مسایل در زمره‌ی تأثیرات منفی صنعت نفت و گاز به حساب می‌آیند.

به این ترتیب، بر مبنای آنچه گفته شد و با توجه به این که چنین اثراتی به کرات در داخل کشور نیز تجربه شده‌اند، بروز این مسایل در مناطق عملیاتی صنعت نفت و گاز می‌تواند فرصتی باشد که قابلیت تبدیل شدن به تهدید را نیز داراست. بنابراین بسیار مهم است که ارزیابی تأثیر اجتماعی، بخشی از فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و پایش پروژه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در کشور قرار گیرد.

ساخت سایت تأسیسات نفت در دریا در جزیره‌ی نیوفاوندلند-کانادا از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ نمونه‌ی قابل ذکر در حوزه مدیریت پیامدهای اجتماعی از طریق انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی است. استوری و جونز شناخت بستر بومی منطقه، تعامل مناسب و زود هنگام در مراحل اولیه‌ی طرح با مردم، شناخت دقیق دامنه‌ی مسایل ناشی از پروژه، مطالعه‌ی موارد احتمالی، طراحی راهبردهای مدیریتی قابل کاربرد در منطقه و پایش مناسب را دلایل موفقیت این پروژه در مدیریت مسایل اجتماعی و حداقل ساختن تأثیرات منفی این پروژه بر زندگی اجتماعی جزیره می‌دانند (استوری و جونز^۱، ۲۰۰۳).

در واقع استوری و جونز معتقدند «به‌طور کلی پروژه‌ی هابرنیا تأثیرات اجتماعی منفی اندکی بر اجتماع میزبان داشت. این را تا اندازه‌ی زیادی می‌توان نتیجه‌ی تعهد مجری پروژه به فرایند ارزیابی تأثیر اجتماعی و بالاخص تمایل مجری به مدیریت تأثیراتی که اجتماع میزبان شناسایی کرده بود دانست. ارزیابی تأثیر اجتماعی در این مورد اثر بسیار زیادی داشت و بسیاری از درس‌های آموخته شده از آن را می‌توان در جاهای دیگر به کار گرفت.» (همان: ۱۰۶).

^۱ - Storey, Jones

خط لوله‌ی باکو- تفلیس- جیحان که نفت جمهوری آذربایجان را از طریق جمهوری گرجستان به جیحان در ترکیه منتقل می‌کند نیز تحت دقیق‌ترین استانداردهای بین‌المللی در زمینه‌ی تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی اجرا می‌شود. سه ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی مجزا در مسیر این خط لوله اجرا شده است. این برنامه‌های تحقیقاتی در نظر داشتند تا کم‌ترین اثر از پروژه، مانند کم‌ترین حریم خط لوله، تأسیسات موقت و جاده‌های دسترسی بر منطقه باقی بماند، تخریب زیست‌محیطی به حداقل برسد، مناطق باستان‌شناختی آسیب نیابند، اسکان مجلد مردم لازم نشود، و هیچ آسیب دائمی به معیشت مردم منطقه وارد نشود. بر اثر انتخاب مسیر مناسب، حتی ضرورتی برای جابه‌جایی یک نفر هم به وجود نیامد (استفنز^۱، ۲۰۰۸: ۱۵۷).

همان‌گونه که بررسی برخی موارد موفق در این زمینه نشان می‌دهد، موفقیت کشورها و شرکت‌ها در مدیریت کردن پی‌آمدهای منفی صنعت نفت و گاز در سطح محلی و منطقه‌ای مرهون کاربست روش و میانش ارزیابی تأثیر اجتماعی بوده است. بنابراین می‌توان با نهادینه کردن انجام این‌گونه مطالعات و ارزیابی‌ها در قبل و حین انجام پروژه تا حدود زیادی پیامدهای منفی پروژه‌های صنعت نفت و گاز در مناطق عملیاتی و در اجتماعات پیرامونی تأسیسات نفتی را کنترل کرد.

مدل ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت ایران

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای مراحل مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه شده است. شناخته‌شده‌ترین تقسیم‌بندی‌ها به کمیته میان‌سازمانی^۲ (۲۰۰۳) فرانک ونکلی^۳، (۲۰۰۳) کورت فینستربروش^۴، (۱۹۸۱) هنک بکر^۵ (۱۹۹۷) و نیک تیلور و

^۱ - Stephens

^۲ - ICGPSIA

^۳ - Vanclay

^۴ - Finsterbusch

^۵ - Becker

همکارانش^۱ (۲۰۰۴) تعلق دارند.

فرانک ونکلی در مقاله‌ای که با عنوان «اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی» تدوین و انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر آن‌را به عنوان اصول ارزیابی تأثیر اجتماعی تأیید کرده است، به‌جای مرحله‌بندی کردن ارزیابی تأثیر اجتماعی، فعالیت‌هایی را که خوب است در ارزیابی تأثیر اجتماعی صورت گیرد برشمرده است:

- ۱- شناسایی مردمی که متأثر از اقدام توسعه‌ای هستند؛ ۲- تسهیل مشارکت ذی‌نفعان اقدام توسعه‌ای در طراحی و تصمیم‌گیری؛ ۳- شناسایی زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی محل اجرای اقدام توسعه‌ای به نحوی که بتوان بر مبنای آن واکنش مردم به تغییرات را دریافت؛ ۴- جمع‌آوری داده‌های پایه‌ای که تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کنند؛ ۵- ارائه‌ی تصویری از زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی محل اقدام؛ ۶- شناسایی فعالیت‌هایی که سبب ایجاد تأثیراتی در محیط می‌شوند؛ ۷- برآورد تأثیرات احتمالی و واکنش‌های احتمالی ذی‌نفعان به این تأثیرات؛ ۸- تحلیل و برآورد گزینه‌هایی که امکان‌پذیر هستند؛ ۹- تدوین اقداماتی برای تخفیف خسارات و تأثیرات منفی وارد بر مردم متأثر از اقدام؛ ۱۰- تحلیل مناقشات احتمالی میان ذی‌نفعان و ارائه راهکارهای حل مناقشه؛ ۱۱- ارائه راهکارهایی برای مواجهه شدن با تأثیرات ماندگار اقدام؛ ۱۲- ارائه‌ی راهکارهایی برای افزایش ظرفیت‌های جامعه برای مواجهه‌شدن با تغییرات و کنترل پی‌آمدهای آن‌ها؛ ۱۳- تدوین و طراحی آرایش‌های نهادی مناسب برای هماهنگ‌کردن گروه‌های ذینفع؛ ۱۴- تدوین نظام مدیریت و نظارت بر اجرای راهکارهایی که حاصل ارزیابی تأثیر اجتماعی هستند (ونکلی^۲، ۲۰۰۳ و الف، ۲۰۰۳: ۸).

فاضلی بر مبنای بررسی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده برای مراحل انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی و برخی ملاحظات دیگر معتقد است می‌توان مراحل انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی را در ۱۱ مرحله صورت‌بندی کرد که البته جوهره‌ی آن متفاوت

^۱- Taylor, Bryan, & Goodrich

^۲- Vanclay

از بقیه‌ی تقسیم‌بندی‌ها نیست (فاضلی، ۱۳۸۹، صص. ۸۸-۹۰). این مراحل به شرح زیر است.

- ۱- جلب مشارکت عمومی: تأکید بر توسعه‌ی پایدار که ارزیابی تأثیر اجتماعی یکی از نتایج این تأکید است، همواره بر مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری درباره‌ی توسعه و اجرای توسعه با مشارکت همه‌ی مردم متأثر از اقدامات توسعه‌ای تأکید دارد. جلب مشارکت مردم از همین رو پیش شرط هرگونه اقدام توسعه‌ای است. بدیهی است که ارزیابی تأثیر اجتماعی به‌مثابه‌ی بخشی از کلیت برنامه‌ریزی توسعه نیز به جلب مشارکت عمومی نیاز دارد. مشارکت عمومی را می‌توان بستر اجتماعی هر اقدام توسعه‌ای معطوف به توسعه‌ی پایدار تلقی کرد.
- ۲- ارزیابی نیاز: شناسایی نیازهایی که اقدامات توسعه‌ای- با توجه به کمبود منابع اعتباری و زمان- باید برای برآوردن آن‌ها برنامه‌ریزی شوند.
- ۳- ارزیابی نیاز به ارزیابی تأثیر اجتماعی: همه‌ی اقدامات توسعه‌ای تأثیرات اجتماعی مهم به همراه ندارند و از همین رو نیاز به انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی باید بررسی شود.
- ۴- شناسایی و توصیف اقدام توسعه‌ای: هر اقدام توسعه‌ای باید از سوی تیم ارزیابی تأثیر اجتماعی به دقت توصیف شود. ارائه‌ی شرحی دقیق از ساختار کلی، فعالیت‌ها و اهداف یک اقدام توسعه‌ای برای شناسایی تأثیرات آن بسیار حیاتی است.
- ۵- دامنه‌یابی: شناسایی منطقه‌ی جغرافیایی و جغرافیای انسانی و محیطی متأثر از اقدام توسعه‌ای؛ شناسایی متغیرها و مقولاتی که با تأثیرات اقدام مرتبط هستند؛ تعیین اولیه‌ی نفع برندگان و زیان‌کنندگان از یک اقدام توسعه‌ای و به‌طور خلاصه تعیین دامنه‌ی تأثیرات اقدام و دامنه‌ی مطالعه ارزیابی تأثیر اجتماعی در مرحله‌ی دامنه‌یابی صورت می‌گیرد.
- ۶- جمع‌آوری داده‌های پایه‌ای: هدف از اجرای این مرحله، ارائه‌ی توصیف دقیقی از اجتماع یا اجتماعات موجود در منطقه‌ی جغرافیایی متأثر از اقدام، و کسب داده‌هایی است که بتوان بر مبنای آن‌ها تأثیرات و واکنش‌های آن‌ها را درک کرد.
- ۷- برآورد تأثیرات احتمالی: هدف از این مرحله برآورد و سنجش تأثیراتی است که ممکن است بر اثر اجرای اقدام توسعه‌ای به‌وجود آیند. برآورد به این معنی است که احتمال، شدت

و اهمیت بروز هر تأثیر مشخص شود. در ضمن باید شناخت‌های معتبری درباره‌ی قابل اجتناب بودن/نبودن تأثیرات ارائه شود.

۸- گزینش تأثیرات مهم: تعدادی از تأثیراتی که بر اثر اجرای اقدام توسعه‌ای به‌وجود می‌آیند از بقیه مهم‌تر هستند. همین تأثیرات مهم را باید گزینش و به‌طور مجزا مطالعه کرد.

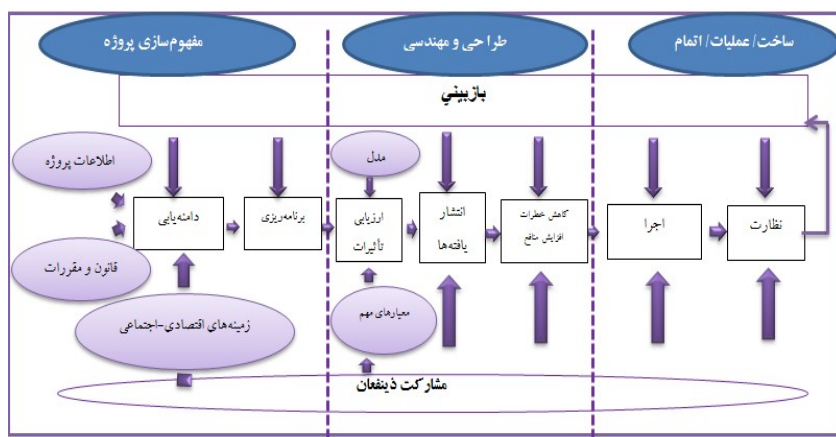
۹- ارزیابی گزینه‌های بدیل: بسته به ماهیت تأثیرات اقدام، وضعیت مختلفی - بنا به تغییرات متغیرهای مختلف - بروز خواهند کرد. یکی از وظایف ارزیابی تأثیر اجتماعی آن است که نتایج ناشی از هر وضعیت را تحلیل کند. این در اصل به معنای ارزیابی گزینه‌های بدیل در مقابل یکدیگر است.

۱۰- تدوین پیشنهادهایی برای کاهش تأثیرات منفی: تأثیرات منفی اقدام توسعه‌ای در هر وضعیتی قابل مشاهده و بررسی است. مطالعه نشان می‌دهد که کدام تأثیرات را می‌توان با تغییر در طراحی اقدام توسعه‌ای از میان برد و کدام تأثیرات را نمی‌توان حذف کرد. هدف ارزیابی تأثیر اجتماعی آن است که تأثیرات ناخوشایندی را که نمی‌توان از میان برد از طریق انجام اقدامات جبرانی و ترمیمی تعدیل کند و در اصل مردم آسیب‌دیده از این اقدامات را به نحو مناسبی تقویت کند.

۱۱- طراحی نظام اجرا و نظارت: مطالعه‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی فقط به ارائه‌ی برخی شناخت‌ها و راهکارهای متناظر با آنها برای کاستن از خسارات به مردم اکتفا نمی‌کند، بلکه رویه‌هایی برای اجرای تجویزهای صورت گرفته پیشنهاد می‌کند. این رویه‌ها و شاید ساختارهای سازمانی، نظارت بر شیوه‌ی اجرا شدن توصیه‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی را به عهده دارند.

به گمان ما این تقسیم‌بندی بسیار تفصیلی است و برای صنعت نفت به دلایلی مناسب نیست. معنای برخی مراحل آن نیز در صنعت نفت متفاوت خواهد بود. اول، پروژه‌های صنعت نفت و گاز همواره دارای تأثیراتی بر محیط زیست و اجتماعات متأثر از خود هستند. از این‌رو بر خلاف بقیه‌ی پروژه‌های صنعتی یا توسعه‌ی شهری، مرحله‌ی ارزیابی نیاز به انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی (مرحله‌ی ۳) در پروژه‌های صنعت

نفت و گاز زائد است. این پروژه‌ها همواره به ارزیابی تأثیر اجتماعی نیاز دارند. همچنین جلب مشارکت عمومی در ارزیابی تأثیر اجتماعی در همه‌ی مراحل وجود دارد و به نوعی زیرساخت ارزیابی تأثیر اجتماعی به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان آنرا یک مرحله به حساب آورد، لیکن بهتر است زمینه‌ی کلی ارزیابی تلقی شود.



شکل شماره‌ی یک: نمودار مراحل متوالی انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مؤسسات بین‌المللی در زمینه‌ی مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت نفت نیز مدلی برای مراحل متوالی ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه کرده است (۲۰۰۴، ۸) (IPIECA). این مدل مرحله‌ی نظارت و بازنگری (قسمت بالای مدل) را به کل دوره‌ی انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی بسط می‌دهد و مشارکت ذینفعان در فرایند انجام ارزیابی را نیز برای کل طول دوره‌ی بررسی در نظر می‌گیرد. همچنین کل فرایند مطالعه به سه دوره تقسیم شده است. دوره‌ی اول شناخت یا مفهوم‌سازی پروژه نام‌گذاری شده است و دو مرحله‌ی دامنه‌یابی و برنامه‌ریزی را شامل می‌شود. اطلاعات مربوط به شناخت پروژه و چارچوب قانونی به‌منزله‌ی ورودی‌های این بخش در نظر گرفته شده‌اند.

مرحله‌ی دوم شامل طراحی و مهندسی است. مهم‌ترین بخش یعنی «ارزیابی تأثیر» در این بخش صورت می‌گیرد و چنان‌که مدل نشان می‌دهد ورودی بسیار مهم

برای این بخش وجود دارد. از قسمت بالای مدل، مدل‌سازی برای ارزیابی تأثیر وارد می‌شود. این مدل‌سازی بدان معناست که باید آن‌چه تأثیر آن ارزیابی می‌شود معلوم شود و راه‌های ارزیابی نیز مدل‌سازی شده باشد. اما از قسمت پایین مدل، «معیار اهمیت» وارد می‌شود. این نکته از مدل فوق‌العاده اهمیت دارد. معیار اهمیت هر تأثیری از درون مشارکت ذی‌نفعان گرفته می‌شود. معیارهای تأثیر از درون اجتماعی که بر اساس منافع متفاوت و متکثر خود در فرایند مطالعه مشارکت می‌کند اخذ می‌شود. این بدان معناست که محققان به تنهایی قادر نیستند اولویت‌های جامعه را تعیین کنند. تعیین معیارهای اهمیت تأثیرات امری است که با ارزش‌های جامعه سروکار دارد.

بخش دوم هم‌چنین یک مرحله‌ی بسیار مهم دارد که در برخی مدل‌های توالی ارزیابی تأثیر اجتماعی، از جمله مدل مفصلی که فاضلی (۱۳۸۹) تشریح کرده است وجود ندارد. «انتشار یافته‌ها» یکی از مراحل است که در مدل‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی به آن توجه شده است. این بخشی از تلاش برای درگیر کردن همه‌ی ذی‌نفعان در فرایند ارزیابی و آگاه ساختن آن‌ها از نتایج است. به این ترتیب همه‌ی ذی‌نفعان می‌توانند برداشت‌های واقعی‌تری از نتایج داشته باشند و با شناختی عمیق‌تر از منافع که تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرد از حقوق خود دفاع کنند. این مدل مرحله‌ی انتشار یافته‌ها را در بخش «طراحی و مهندسی» قرار داده و همین نشان می‌دهد که به اعتقاد سازمان‌های بین‌المللی متخصص در زمینه‌ی صنعت نفت و گاز، جایگاه ملاحظات اجتماعی در طراحی پروژه‌ها و اهمیت دادن به ذی‌نفعان در چه حد است.

آخرین بخش از مدل به اجرای پیشنهادهای برآمده از تحقیق و نظارت و پایش چگونگی اجرای پیشنهادها اختصاص دارد. اما یک حلقه‌ی بازخورد نیز در انتهای سمت راست مدل طراحی شده که نشان می‌دهد در حین اجرای پروژه (مرحله‌ی ساخت، عملیات و اتمام فعالیت پروژه) تا زمان پایان فعالیت آن نیز باید ارزیابی تأثیر اجتماعی حضور داشته باشد و به نوعی عواقب اجتماعی پروژه‌ها در همه‌ی مراحل پایش و نظارت شود. با توجه به طولانی بودن عمر اغلب تأسیسات صنعت نفت و گاز،

این حلقه‌ی بازخورد بسیار اهمیت دارد.

اتحادیه‌ی تولیدکنندگان نفت و گاز نیز مدلی از مراحل متوالی انجام مطالعات ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی ارائه کرده است که اگرچه پیچیدگی‌های بیش‌تری دارد، لیکن جوهره‌ی آن از آنچه مدل‌های پیشین ارائه می‌کنند متفاوت نیست (۹، ۱۹۹۷، OGP). این مدل بر مبنای «ارزیابی زیست‌محیطی راهبردی» طراحی شده است. در این نوع ارزیابی، بخش زیست‌محیطی و اجتماعی در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند و ارزیابی به‌طور هم‌زمان صورت می‌گیرد. مدل مذکور از پنج ستون تشکیل شده و اهم نکات درباره‌ی آن به شرح شکل زیر است:



شکل شماره‌ی دو: نمودار مراحل متوالی انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی

سومین ستون از راست با عنوان «مشاوره» به صورت عمودی و در کل فرایند مطالعه حضور دارد. این بدان معناست که مانند مدلی مندرج در شکل ۳-۱، مشاوره با ذی‌نفعان در کل فرایند تحقیق وجود دارد و پیکان‌های دو سویه میان مشاوره و فرایندهای تحقیق (ستون‌های چهارم و پنجم) نشان می‌دهد که مشاوره بر کل فرایند تحقیق مؤثر است و بازخوردهای حاصل از آن باید در کل مراحل لحاظ شوند.

ستون دوم از سمت راست، فرایند ارزیابی زیست‌محیطی راهبردی را مشتمل بر پنج مرحله معرفی می‌کند که به ترتیب از بالا به پایین عبارتند از: ۱- مشخص کردن هدف و دامنه‌یابی؛ ۲- جمع‌آوری اطلاعات؛ ۳- ارزیابی تأثیر؛ ۴- کنترل کردن تأثیرات؛ ۵- مطالعات پسینی و اجرای پیشنهادها. ستون اول نیز دوره‌ی عمر پروژه را به پنج قسمت تقسیم می‌کند: ۱- ارزیابی مفهومی؛ ۲- طراحی مهندسی / برنامه‌ریزی؛ ۳- طراحی تفصیلی / بسیج منابع؛ ۴- ساخت و عملیات / راه‌اندازی؛ ۵- پایان فعالیت پروژه. اما خود فرایند ارزیابی زیست‌محیطی راهبردی در ۹ گام اجرا می‌شود که در ستون‌های چهارم و پنجم شکل شماره‌ی دو نمایش داده شده است.

۱- طراحی مفهومی پروژه، و تدوین نیم‌رخ زیست‌محیطی و اجتماعی منطقه؛

۲- تعریف پروژه، و مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی پایه‌ای؛

۳- شناسایی منبع تأثیرات، و تحلیل حساسیت زیست‌محیطی و اجتماعی؛

۴- ارزیابی تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی (بزرگی، اهمیت، و تعیین تعدیل و جبران‌ها)؛

۵- تعدیل و جبران خسارات / برنامه‌ریزی مدیریت تعدیل و جبران؛

۶- برنامه‌ریزی پایش تأثیرات؛

۷- تدوین پیوست زیست‌محیطی / اقتصادی - اجتماعی؛

۸- کاربست مندرجات پیوست / تنظیم برنامه‌ی مدیریت تأثیر و برنامه‌ی تعدیل و جبران؛

۹- پایش و مدیریت تأثیرات / پایش معیارهای جبران تعدیل؛

مدلی که در شکل شماره‌ی دو نمایش داده شده است نسبت به مدل مندرج در شکل شماره‌ی یک دارای نقیصه‌ای مهم است، در مراحل شکل شماره‌ی یک مرحله‌ی

«انتشار عمومی یافته‌ها» در نظر گرفته شده است؛ ولی در مدل دوم چنین مرحله‌ای تصریح نشده است. اگرچه مشاوره‌ی عمومی در کل مراحل مدل موجود است، مشاوره الزاماً به معنای انتشار عمومی یافته‌ها نیست. در اصل، مشاوره با ذی‌نفعان و مشارکت دادن آن‌ها در مطالعه‌ی تأثیرات اجتماعی دارای اشکال گوناگونی است که الزاماً شامل انتشار عمومی یافته‌های مطالعه و آگاه کردن همه‌ی ذی‌نفعان از تأثیرات احتمالی پروژه‌ها نمی‌شود. مدل شماره‌ی ۳ از آن‌جهت که ارزیابی تأثیر اجتماعی را شامل انتشار عمومی یافته‌ها می‌داند به روح حاکم بر ارزیابی تأثیر اجتماعی در قرن ۲۱ که بر عقلانیت دموکراتیک ژرف‌اندیش تأکید می‌کند نزدیک‌تر است (فاضلی، ۱۳۸۹).

هدف ما ارائه‌ی الگویی برای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت است؛ اما بحث فوق نشان می‌دهد که ارائه‌ی الگویی واحد هم ممکن و هم ناممکن است. در کنار تفاوت مدل‌ها باید به دو نکته‌ی دیگر هم توجه داشت. نخست این‌که، حتی سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه‌ی مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی نفت و گاز مانند اتحادیه‌ی جهانی مقولات زیست‌محیطی و اجتماعی نفت و گاز^۱، اتحادیه‌ی تولیدکنندگان نفت و گاز، و آن استیتو نفت آمریکا که مهم‌ترین دستورالعمل‌های مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی را در این صنعت تدوین کرده‌اند تأکید دارند که مدل‌های پیشنهادی آنان هم‌چون جعبه‌ابزارهایی جامع نیست و محققان بنا به نیازهای خود و الزامات ناشی از پروژه‌ها می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند (OGP, ۲۰۰۲; OGP/IIPECA, ۲۰۰۴; IIPECA, ۱۹۹۷). دوم این‌که بیش از آن‌که نشان دادن مرحله‌بندی‌ها و نمودارهای پیچیده‌تر از مراحل ارزیابی تأثیر اجتماعی اهمیت داشته باشد، چگونگی انجام آن و اهدافی که قرار است به آن دست یابد مهم است.

بر این نکته‌ی بسیار مهم پافشاری کنیم که همه‌ی این مدل‌ها برای تحقق توسعه‌ی پایدار هستند. بنابراین شیوه‌ی اجرا و سازماندهی مطالعات ارزیابی تأثیر

^۱ - The global oil and gas industry association for environmental and social issues (IIPECA)

اجتماعی در صنعت نفت و گاز باید به سوی اهداف توسعه‌ی پایدار جهت‌گیری شود. لذا پیش از هر بحثی درباره‌ی چگونگی اجرا باید شرایط پایداری اقدامات توسعه‌ای در حوزه‌ی صنعت نفت و گاز تحلیل شود و بدیهی است که این شرایط چیزی منفک از شروط پایداری در بقیه‌ی فعالیت‌های توسعه‌ای نخواهد بود. شرط سوم نیز برای مدل پیشنهادی باید در نظر گرفته شود که کاملاً برآمده از شرایط اجتماعی جامعه‌ی ایران و تأکیدی است که نظام سیاسی در کشور آن‌ها را دنبال می‌کند.

مطابق قانون برنامه‌ی پنجم توسعه و بر مبنای ابلاغیه‌ی مقام معظم رهبری درخصوص اصول کلی حاکم بر تدوین برنامه‌ی پنجم توسعه و مطابق مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص مهندسی فرهنگی کشور، دولت موظف است برای کلیه‌ی طرح‌ها و پروژه‌های ملی و مهم - که قطعاً بخش مهمی از پروژه‌های صنعت نفت ذیل آن‌ها قرار می‌گیرند - پیوست فرهنگی تدوین کند. پیوست فرهنگی و مباحث ارزیابی تأثیر اجتماعی قرابت زیادی با هم دارند و شناخت بنیادهای مفهومی پیوست فرهنگی می‌تواند ما را به چگونگی ترکیب کردن مدل ارزیابی تأثیر اجتماعی و پیوست فرهنگی کمک کند.

با توجه به مبحث فوق درباره‌ی پیوست فرهنگی و همچنین مدل‌هایی که برای ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه شد، ما مدلی را که در شکل شماره‌ی سه نشان داده شده ارائه می‌کنیم که نسبت به مدل‌های قبلی تغییراتی در آن اعمال شده است. این مدل در مقایسه با آنچه در شکل شماره‌ی دو آمده دارای این مزیت است که مرحله‌ی «انتشار عمومی یافته‌ها» و همچنین فرایند سراسری «نظارت و بازنگری» به آن افزوده شده است.

انتشار عمومی یافته‌ها ماهیت دموکراتیک و مشارکتی ارزیابی تأثیر اجتماعی را بیش‌تر کرده و به ذی‌نفعان امکان می‌دهد تا در انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی مشارکت بیش‌تری داشته باشند و بدانند که تیم تحقیقاتی به چه یافته‌هایی رسیده و خود درباره‌ی آن‌ها قضاوت کنند. از سوی دیگر، تعمیم دادن نظارت و بازنگری به کل فرایند تحقیق

به این معناست که در کنار تیم تحقیق، ناظر یا ناظرانی حضور دارند که بر فرایند انجام کار نظارت می‌کنند و تطابق آن با اصول روش‌شناختی را تحت کنترل دارند. به این ترتیب، فرایند تحقیق تحت نظارت دو گروه ذی‌نفعان و متخصصان قرار می‌گیرد.



شکل شماره‌ی سه مدل پیشنهادی مراحل متوالی انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی تدوین پیوست فرهنگی پروژه‌ها حاکم شود. به این ترتیب این مدل می‌تواند در بستر رویه‌ای واحد برای پیش‌بینی عواقب اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ها- و البته همه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌ها- در کشور قرار گیرد.

این مدل هم‌چنین حلقه‌های بازخورد را به کل فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی و برنامه‌های تعدیل و جبران بسط می‌دهد. از آن‌جا که نظارت و بازنگری، و مشاوره با ذی‌نفعان در کل فرایند صورت می‌گیرد، تا مرحله‌ی از پروژه، امکان بازنگری در طراحی وجود دارد و بعد از نهایی شدن طراحی، امکان بازنگری و اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های مدیریت تأثیر و تعدیل و جبران فراهم است. مدل پیشنهادی هم‌چنین در مقایسه با مدل مندرج در شکل شماره‌ی یک و بسیاری از مدل‌های دیگر ارزیابی تأثیر اجتماعی، صراحتاً ارزیابی تأثیر اجتماعی را در تعامل با ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی قرار می‌دهد.

فرصت‌های توسعه‌ی کاربرست اتا در صنعت نفت

صنعت نفت بزرگ‌ترین صنعت کشور است و تقریباً در همه‌ی محدوده‌ی جغرافیایی کشور پراکنده و حاضر است، و به دلیل حجم ذخایر نفت و گاز، و وابستگی کشور به نفت، شاید تا قرن‌ها اهمیت صنعت نفت برای کشور پا بر جا خواهد ماند. با توجه به طیف مسایلی که صنعت نفت در زمینه‌ی مسایل اجتماعی می‌تواند با آن‌ها روبه‌رو شود، فرصت مناسبی برای توسعه‌ی اتا در این صنعت وجود دارد تا با نشان دادن کارآمدی‌های این حوزه از دانش در کمک به مدیریت مناسب توسعه‌ی صنعتی، شرایط گسترش این دانش در بقیه‌ی عرصه‌های اقدامات توسعه‌ای نیز فراهم شود. اما صنعت نفت از فرصت‌های دیگری برای توسعه‌ی دانش اتا و کاربرد آن نیز برخوردار است. معمولاً اقدامات توسعه‌ای در صنعت نفت هزینه‌ی بسیار زیادی طلب می‌کنند. این در حالی است که هزینه‌ی مطالعات اتا در مقابل هزینه‌ی این اقدامات به واقع ناچیز یا حتی قابل صرف‌نظر کردن است. از این‌رو، در مقایسه با بسیاری از اقدامات توسعه‌ای (برای مثال بسیاری از پروژه‌های مدیریت شهری یا پروژه‌های کوچک توسعه‌ی روستایی) هزینه‌ی انجام اتا در مقابل هزینه‌های انجام پروژه‌ها آن‌قدر اندک است که در صورت داشتن نگاهی مثبت به این گونه مطالعات، مشکلات هزینه‌ای برای انجام مطالعات اتا در صنعت نفت مانع جدی به حساب نمی‌آیند.

برخلاف بسیاری از حوزه‌های اقدامات توسعه‌ای که سابقه‌ی زیادی از مطالعات اِتا در آن‌ها وجود ندارد، این گونه مطالعات در صنعت نفت جهان حداقل سه دهه سابقه دارد و سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه‌ی نفت و گاز کوشیده‌اند استانداردهای انجام مطالعات را فراهم کنند. به علاوه نمونه‌های متعددی از این پژوهش‌ها موجود است و زمینه‌ی مساعدی برای پیشبرد دانش نظری و کاربردی در این عرصه فراهم می‌کنند.

صنعت نفت در ایران دارای دانشگاه اختصاصی خود است و مراکز متعدد آموزشی نیز دارد. از این‌رو اجرای برنامه‌های آموزشی و حتی دوره‌های آموزش ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت ایران از امکانات زیرساختی لازم برخوردار است. این در حالی است که بسیاری از سازمان‌ها برای تأمین نیروی انسانی متخصص در زمینه‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی به مراکز آکادمیک یا مؤسسات تحقیقاتی و مشاوره نیازمند هستند.

صنعت نفت ایران در پی بین‌المللی شدن و مشارکت در عملیات صنعتی در کشورهای مختلف جهان و بالاخص شرکای تجاری ایران در کشورهای در حال توسعه است. این گونه کشورها برای تأمین منابع مالی پروژه‌هایشان به کمک‌های بین‌المللی وابسته‌اند و گاه خودشان نیز استانداردهایی دارند که انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی را ضروری می‌کند. نوع و سطح توسعه‌یافتگی این کشورها نیز به اندازه‌ای است که اقدامات صنعتی تأثیرات شدیدی بر مردم باقی می‌گذارد. بدیهی است تأمین کنندگان بین‌المللی اعتبارات مالی پروژه‌ها، به توجّه زیادی که در دو دهه‌ی گذشته به ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی شده است، رعایت استانداردهای اجتماعی و انجام مطالعات اِتا را طلب می‌کنند. بنابراین شرکت‌های ایرانی برای رقابت در فضای بین‌المللی، واقعاً به توسعه‌ی دانش و مهارت‌های خود در زمینه‌ی اِتا نیازمند هستند و همین عاملی است که به دنبال توسعه‌ی این دانش در صنعت نفت باشند.

در صنعت نفت، نه تنها رابطه‌ی میان توسعه‌ی صنعت نفت و اجتماعات بومی

یا محیط‌هایی که میزبان اقدامات توسعه‌ی صنعت نفت و گاز هستند، رابطه وجود دارد، بلکه خود نیروی انسانی شاغل در صنعت نفت نیز زمینه‌ی مساعدی برای توسعه‌ی مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی است. کارکنان وزارت نفت و شرکت‌های تابعه در شهرک‌ها، شهرهای مناطق عملیاتی، کمپ‌های نزدیک به مناطق عملیاتی، جزیره‌های واقع در دریا، ایستگاه‌های عملیات نفتی در دریا، و در گستره‌ی جغرافیایی بسیار وسیعی قرار گرفته‌اند. نمونه‌های متعددی از مشکلات فردی و اجتماعی در محیط زندگی این افراد گزارش شده است. دورافتاده بودن، قرار داشتن در محیط‌های بسته مانند جزایر و سکوها، دریایی، واقع شدن در زیست‌محیط‌های نامناسب کویری و... و شماری از این عوامل، بررسی تأثیرات هر گونه اقدام- مانند ساخت شهرک‌های اسکان نیروی انسانی، یا سیاست مدیریت نیروی انسانی مانند طرح اقماری، صنعت نفت را مستعد مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌کند. بنابراین، نه فقط از زاویه‌ی تأثیرات اقدامات توسعه‌ای بر اجتماعات محلی، بلکه از زاویه‌ی نیروی انسانی شاغل در صنعت نفت نیز فرصت‌های زیادی برای توسعه‌ی مطالعات اتا در این صنعت وجود دارد.

و در نهایت این‌که بنا به مندرجات ابلاغیه‌ی سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه، و هم‌چنین قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، دولت مکلف است برای کلیه‌ی پروژه‌های ملی مهم کشور پیوست فرهنگی تهیه کند. پیوست فرهنگی قرابت بسیار زیادی با ارزیابی تأثیر اجتماعی دارد و در مدلی که برای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت ارائه کردیم، بر تدوین آن تأکید شد. این مصوبه‌ی لازم‌الاجرا خود می‌تواند راه‌کاری برای مقابله با برخی مقاومت‌ها در برابر اجرا شدن مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به نظر می‌رسد توسعه‌ی دانش ارزیابی تأثیر اجتماعی به حدی رسیده که ارائه‌ی مدل‌هایی که بتوانند بهبود قابل توجهی در روش‌شناسی این نوع مطالعات ایجاد کنند بسیار دشوار و شاید ناممکن باشد. مراحل متوالی انجام این مطالعات به‌صورت‌های

مختلف صورت‌بندی شده و تفاوت‌های زبانی نیز نباید مانع شود تا شباهت‌های ساختاری مدل‌های موجود را نادیده بگیریم. بر همین اساس مدلی که در شکل شماره‌ی سه ارائه شد تنها چند تغییر کوچک نسبت به مدل‌های پیشین دارد که البته با توجه به بستر اجتماعی جامعه‌ی ایران بسیار مهم هستند.

برای ارزیابی تأثیر اجتماعی در ایران قانون مشخصی وجود ندارد و شرکت‌ها الزامی به این کار ندارند، مگر آن‌که در آینده قانون ضرورت تدوین پیوست فرهنگی به ضرورت اجرای ارزیابی اجتماعی تسری یابد. از این رو کنار هم قرار دادن ارزیابی تأثیر اجتماعی و زیست‌محیطی - چنان که در برخی کشورها نیز چنین است - می‌تواند بخشی از ضمانت‌های اجرایی مربوط به ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی را به ارزیابی تأثیر اجتماعی نیز منتقل کند.

انتشار عمومی یافته‌ها در ایران سابقه ندارد و ما نیز بر این باور نیستیم که به صرف گنجاندن آن در درون مدل پیشنهادی زمینه برای تحقق این امر آماده می‌شود. اما این تلاش زمینه‌ی نظری تحقق چنین کاری را مهیا، یا حداقل بر ضرورت آن تأکید می‌کند. این مدل با این باور طراحی شده است که گسترش آگاهی ذی‌نفعان درخصوص پروژه‌ها می‌تواند پذیرش عمومی پروژه‌ها را افزایش دهد و نوعی تعامل میان مجریان و ذی‌نفعان ایجاد کند که در نهایت به سود پروژه‌هاست. دقت در مدل نشان می‌دهد که انتشار عمومی یافته‌ها بخشی از «ارزیابی تأثیرات» (در ستون دوم از سمت راست) قلمداد شده است و همین امر قصد از این کار را نشان می‌دهد. این مدل بر این باور تأکید می‌کند که انتشار عمومی یافته‌های تحقیقات قدرت ارزیابی تأثیرات بر جامعه را افزایش می‌دهد.

مدل پیشنهادی به دلیل آن‌که بر تدوین پیوست فرهنگی تأکید می‌کند، نسبت به همه‌ی مدل‌های مشابه به‌بخش فرهنگی تأثیرات اقدامات توسعه‌ای در صنعت نفت و گاز بیش‌تر اهمیت می‌دهد و از این جهت می‌توان آن را نوعی مدل بومی شده نیز تلقی کرد.

منابع

- ۱- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۹۱) بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در منطقه‌ی عسلویه، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی.
- ۲- فاضلی، محمد (۱۳۸۹) ارزیابی تأثیرات اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۳- فاضلی، محمد و همکاران (۱۳۹۱) پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی استقرار تأسیسات نفت و گاز در جزیره‌ی خارک: شناخت وضع موجود، علت‌یابی مسایل و راه‌کارهای حل مشکلات، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی.
- 4- Baumuller, Heike. , Donnelly, Elizabeth. , Vines, Alex. , & Weimer, Markus (2011) **The Effects of Oil Companies' Activities on the Environment, Health and Development in Sub-Saharan Africa**, European Parliament.
- 5- Caffrey, Patricia (2002) "An Independent Environmental and Social Assessment of the Camisea Gas Project", <http://amazonwatch.org/news/2002/0401-an-independent-environmental-and-social-assessment-of-the-camisea-gas-project-by-patricia-b-caffrey> .
- 6- Organizations, and Communities", In Finsterbusch & Wolf, Pp. 13-20.
- 7- Freudenberg, William. & Gramling, Robert (1993) "Socioenvironmental Factors and Development Policy: Understanding Opposition and Support for Offshore Oil", **Sociological Forum**, Vol. 8, No. 3, Pp. 341-364.
- 8- International Association of Oil & Gas Producers (OGP) (1997) **Principles for Impact Assessment: The Environmental and Social Dimension**. OGP, Report No: 2. 74/265.
- 9- International Petroleum Industry Environmental Conservation Association (IPIECA) (2004) **A Guide to Social Impact Assessment in the Oil and Gas Industry**, IPIECA.
- 10- Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment (ICGPSIA) (1995) "Guidelines and Principles for Social Impact Assessment", **Environment Impact Assessment Review**, Vol. 15, Pp. 11-43.
- 11- Stephens, Thomas W (2008) "Environmental and Social Challenges in Oil Sector Management", **International Conference on Fuelling Poverty Reduction with Oil and**
- 12- Taylor, Nicholas. , Bryan, Hobson. & Goodrich, Colin (2004) **Social Assessment: Theory, Process and Techniques**, Social Ecology Press.
- 13- Vanclay, Frank (2003) "International Principles for Social Impact Assessment", **Impact Assessment and Project Appraisal**, Vol. 21, No. 1, Pp. 5-11.
- 14- Vanclay, Frank (2003a) "Conceptual and Methodological Advances in Social Impact Assessment", In **Becker & Vanclay**, Pp. 1-9 .

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.